

خدا ترتیبی بدهید که این گونه تناقض گوئی بین مقامات مختلف آمریکا روی ندهد. اظهارات من به حدی با شدت و حرارت بیان می‌شد که خداداد فرمانفرمائیان بلافاصله به همسرم آذر تلفن کرد و گفت کار فلانی تمام است. شاید حق با او بود، زیرا به فاصله چند روز لایحه انتقال اختیارات مدیرعامل سازمان برنامه به نخست‌وزیر به تصویب مجلس رسید...» ابتهاج سپس می‌نویسد قبل از طرح و تصویب این لایحه در مجلس سرانجام شاه مرا به حضور پذیرفت و «در آن روز به شاه گفتم که من امروز نه به عنوان رئیس سازمان برنامه بلکه به عنوان یک ایرانی می‌خواهم با شما صحبت کنم... به نظر من ما نباید درآمد نفت را به هیچ مصرفی جز عمران مملکت برسانیم. ایران قادر نیست برنامه عمرانی مفیدی که در زندگی افراد ملت ایران موثر باشد اجرا کند و در عین حال مخارج سنگین ارتش را عهده‌دار باشد. شاه سکوت کرد و چیزی نگفت. فقط وقتی گفتم یقیناً اعلیحضرت از مطالبی که رادفورد در سر میز شام در سفارت آمریکا گفت مطلع شده‌اند، سرش را به علامت مثبت تکان داد. در عین حال آن روز کوچکترین اشاره‌ای راجع به استعفای من از سازمان برنامه نشد...»

دو روز بعد از این ملاقات، دولت لایحه تفویض اختیارات و مسئولیتهای رئیس سازمان برنامه را به نخست‌وزیر تقدیم مجلس کرد و فی‌المجلس به تصویب رساند. ابتهاج نیز بلافاصله استعفانامه دیگری نوشته و به دربار می‌فرستد و دکتر اقبال متعاقباً خسرو هدایت را به عنوان معاون نخست‌وزیر و سرپرست سازمان برنامه به مجلس معرفی می‌نماید.

خسرو هدایت تا اواخر سال ۱۳۳۹ سرپرستی سازمان برنامه را به عهده داشت، تا این که مهندس شریف امامی روز اول اسفندماه سال ۱۳۳۹ مقارن افتتاح مجلس بیستم شوهرخواهر خود احمد آرامش را به سمت وزیر مشاور و سرپرست سازمان برنامه معرفی می‌نماید. احمد آرامش در فروردین ماه سال ۱۳۴۰ ضمن گزارش مفصلی به مجلس اقدامات دو مدیر عامل پیشین سازمان برنامه را تخطئه کرد و تأکید نمود که «در انعقاد بعضی قراردادهائی که از سال ۱۳۳۴ تا ۱۳۳۸ به وسیله سازمان برنامه بسته شده کمتر مصلحت و منفعت ایران رعایت گردیده و اغلب این قراردادها از اسراف و تبذیر مبرا نیست...» ابتهاج در پاسخ آرامش از اقدامات خود در سازمان برنامه دفاع کرد، و آرامش مجدداً به او پاسخ داد و ابتهاج در جواب وی توضیحات بیشتری در روزنامه‌ها

منتشر کرد، تا این که با سقوط دولت شریف امامی و روی کار آمدن حکومت امینی به این مکاتبات خاتمه داده شد و ابتهاج و آرامش هردو در زمان حکومت امینی دستگیر و زندانی شدند!

بعد از سقوط حکومت امینی ابتهاج و آرامش هردو آزاد شدند. ابتهاج به بخش خصوصی رفت و با تأسیس یک بانک خصوصی به نام بانک ایرانیان ثروت هنگفتی به دست آورد، ولی آرامش، که ظاهراً تعادل روانی خود را از دست داده بود بعد از تشکیل چند جلسه مصاحبه مطبوعاتی و انتشار اعلامیه‌های شدیدالحن علیه آمریکائیان و شخص شاه و شعار جمهوریخواهی که در آن زمان غیرعملی و نامعقول به نظر می‌رسید به زندان افتاد و بعد از رهائی از زندان نیز، به علت ادامه همین رویه، به وسیله مأمورین امنیتی در پارک لاله تهران به قتل رسید.

\*\*\*

از بدو تأسیس شرکت ملی نفت در سال ۱۳۳۰ چهار نفر در دوران سلطنت پهلویها به سمت مدیرعامل این شرکت تعیین شدند که عبارت بودند از سهام‌السلطان بیات، عبدالله انتظام، دکتر منوچهر اقبال و هوشنگ انصاری که به شرح حال هریک از آنها در فصول مربوط به نخست‌وزیران و وزیران پیشین اشاره کرده‌ایم. تنها در مورد عبدالله انتظام که دوبار به ریاست هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت ملی نفت برگزیده شد، توضیحات کافی داده نشده است. عبدالله انتظام از دیپلماتهای با سابقه وزارت خارجه بود که قبل از تصدی مقام مدیریت عامل شرکت ملی نفت در کابینه حسین علاء وزارت امور خارجه را به عهده داشت. عبدالله انتظام در سال ۱۳۳۶ پس از مرگ سهام‌السلطان بیات اولین مدیرعامل شرکت ملی نفت، به جانشینی وی منصوب گردید و تا سال ۱۳۴۲ این سمت را به عهده داشت. انتظام در مدت تصدی ریاست شرکت نفت، از مشاوران نزدیک شاه و وزیر دربار وقت حسین علاء بود، و در جریان وقایعی که به بازداشت آیت‌الله خمینی و قیام خونین ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ انجامید، به اتفاق علاء و چندتن دیگر از رجال سیاسی آن روز مانند سردار فاخر حکمت نزد شاه رفت و عواقب سیاست دولت علم را در برابر روحانیت خاطرنشان ساخت. این اقدام جسورانه، همانطور که در فصول پیشین به آن اشاره شده موجب برکناری عبدالله انتظام از ریاست هیئت مدیره و مدیریت عامل شرکت ملی نفت گردید. عبدالله انتظام ۱۵ سال تمام

خانه‌نشین بود و در این مدت یک کارگاه آهنگری برای خود دایر کرده و بدین وسیله امرار معاش می‌نمود، تا این که در سال ۱۳۵۷، در بحبوحه انقلاب، شاه دست به دامان وی شد و او را برای قبول مسئولیت نخست‌وزیری یا ریاست شرکت ملی نفت دعوت کرد. انتظام ابتدا از قبول هردو مقام استنکاف کرد، ولی به ملاقاتهای روزانه و مشورت با شاه رضایت داد. انتظام سرانجام پس از فرار هوشنگ انصاری از ایران، مسئولیت اداره شرکت ملی نفت را به عهده گرفت، ولی دیگر خیلی دیر شده بود. مدیران و کارکنان سطح بالای شرکت نفت انتظام را با آغوش باز پذیرا شدند، ولی کارگران اعتصابی شرکت در آستانه پیروزی انقلاب حاضر به ترک اعتصاب و بازگشت از راه رفته نبودند. عبدالله انتظام با پیروزی انقلاب بار دیگر خانه‌نشین شد و خانه محقر او در کوچه‌ای جنب میدان ۲۴ اسفند سابق، که بعد از پیروزی انقلاب میدان انقلاب نام گرفت، محل تجمع سیاست‌پیشگان بازنشسته یا برکنار شده بود. عبدالله انتظام تا چندسالی بعد از انقلاب هم زنده بود و خاطرات تلخ و شیرینی از گذشته نقل می‌کرد. نویسنده، که از دوران ریاست اولیه انتظام بر شرکت ملی نفت با او آشنائی داشتم، بعد از مرگ شاه در سال ۱۳۵۹ روزی به دیدن او رفتم و افکار و احساسات وی را درباره شاه سؤال کردم. انتظام در یک تحلیل روانشناختی از شاه، تقریباً خلاصه و چکیده آنچه را که بعدها در کتابی تحت عنوان «شکست شاهانه» از یک محقق آمریکائی انتشار یافت بیان کرد و او را در مجموع انسانی ضعیف و بلاراده توصیف نمود که بعضی اعمال تهورآمیز مانند خلبانی و ورزشهای خطرناک در واقع واکنشی برای سرپوش نهادن بر این ضعف‌های درونی به‌شمار می‌آمد. او معتقد بود که شاه در سالهای آخر سلطنت هیچ دوست واقعی نداشت، زیرا به هیچ‌کس وفا نکرد و فقط کسانی در اطراف او ماندند که «مگسان دور شیرینی» بودند و جز منافع شخصی خود به چیزی نمی‌اندیشیدند...

\* \* \*

در میان بازیگران عصر پهلوی، به‌جز مقامات دولتی، باید از غولهای اقتصادی در بخش خصوصی هم نام ببریم، که با استفاده از شرایط دوران رونق اقتصادی در دهه آخر سلطنت شاه با بهره‌گرفتن از ارتباطات خود با صاحبان نفوذ در بخش دولتی، به ثروتهای نجومی دست یافتند و به قول شاعر «چون کار وطن گشت پریشان همه رفتند...» از این غولهای اقتصادی، تا آنجا که حافظه من یاری می‌کند، می‌توانم از برادران

خیامی (محمود خیامی صاحب ایران ناسیونال و احمد خیامی صاحب فروشگاههای زنجیره‌ای) برادران رضائی (علی رضائی گروه صنعتی شهریار و محمود رضائی مس سرچشمه و تراکتورسازی اراک) اخوان کاشانی (حمید و رضا و تقی صاحبان فروشگاههای زنجیره‌ای و کاشی سعدی و تلویزیون بلموند) حاج محمدتقی برخوردار (صاحب گروه صنعتی تهران الکتریک و ۱۷ شرکت دیگر) لاجوردی (صاحب گروه صنعتی بهشهر که بیش از سی شرکت را شامل می‌شد) برادران فرمانفرمایان (گروه صنعتی پارس و چند شرکت دیگر) ابوالفتح محوی (شرکت ایز ایران) جعفر اخوان (شرکت جیپ و جنرال موتورز) حبیب القانیان (گروه ملامین و چند شرکت دیگر) ایروانی (کفش ملی) قاسمیه و امین صالح (گروه روغن نباتی پارس مرکب از ۱۸ شرکت) و بالاخره صاحبان بانکهای خصوصی نظیر مهندس مفرح و حبیب اخوان و ابراهیم نیکپور و این اواخر هژبر یزدانی را نام ببرم. در میان کسانی که نام بردیم، داستان هژبر یزدانی چوپان سمنانی که در سالهای قبل از انقلاب به ثروتی افسانه‌ای دست یافت و بانک ایرانیان را از چنگ ابتهاج درآورد و مجتمع عظیم کشت و صنعت شیروان را تصاحب کرد و در کنار این کارها حرفه چوپانی خود را نیز رها نکرده و به روایتی دومیلیون گوسفند داشت، از همه شنیدنی‌تر است.

هژبر یزدانی مردی عامی و روستائی از اهالی اطراف سمنان بود. آنچه عامل پیشرفت و موفقیت او شد علاوه بر جسارت و وقاحت بیش از حد، بهائیگری و رابطه او با سران متنفذ فرقه بهائی در تهران مانند ارتشبد نصیری و سپهبد ایادی و همچنین پرویز ثابتی مقام امنیتی معروف بود. هژبر یزدانی در قسمتی از کارهای خود با این اشخاص شریک بود و یا سهمی از منافع خود را به آنها می‌داد. هژبر یزدانی در جریان این کارها با دربار هم مربوط شد. به‌طوری که هنگام خرید سهام بانک ایرانیان از ابتهاج و همسرش، شاه به او دستور داد مبلغ کلانی بیش از برآورد قبلی به ابتهاج پرداخت شود.<sup>۷</sup> هژبر یزدانی پیش از این که بانک ایرانیان را تصاحب کند، در صدد تصاحب بانک صادرات ایران برآمد و مشغول خریدن سهام این بانک شد. ولی سروصدای خرید سهام

۷- برآورد اولیه ارزش سهام ابتهاج و همسرش در بانک ایرانیان در حدود پنجاه میلیون تومان بود که به دستور شاه، هژبر ۷۰ تا ۸۰ میلیون تومان (برحسب دو روایت مختلف) پرداخت کرد.

این بانک از طرف یک نفر بهائی و فتوای علما درباره خودداری از معامله با این بانک، موجب شد بازارها پول خود را از بانک صادرات بیرون بکشند و هنگامی که بانک صادرات در خطر ورشکستگی قرار گرفت هژبر هم سهامش را فروخت و خود و بانک را از خطر ورشکستگی نجات داد. اما در مورد بانک ایرانیان که با یک بانک بزرگ آمریکائی (سیتی بانک) شریک بود و طرفهای معامله‌اش هم بیشتر خارجی‌ها بودند چنین خطری وجود نداشت. ابتهاج داستان خرید سهام بانک ایرانیان را از طرف هژبر یزدانی چنین شرح می‌دهد: «... من و سیتی بانک جمعاً ۵۰ درصد سهام بانک را در اختیار داشتیم و چون باقیمانده سهام بین عده زیادی تقسیم شده بود اشکالی در تصمیم‌گیری و اداره بانک وجود نداشت. در این میان شخصی به نام هژبر یزدانی مشغول خرید سهام بانک ایرانیان شد و سهام بانک را به سه برابر بهای اصلی خریداری می‌کرد. من از قبل ترتیبی داده بودم که وامی با شرایط آسان به کارمندان داده شود تا بتوانند سهام بانک را خریداری کنند. یزدانی سهام اغلب کارمندان را نیز به چندین برابر قیمت از آنها خرید، او شخص ثروتمندی بود که با دستگاه، به خصوص نصیری رئیس سازمان امنیت، رابطه نزدیک داشت و مدتی بود سهام بانکهای مختلف را خریداری می‌کرد. آرزوی یزدانی این بود که او نیز مانند بعضی از افرادی که تمول سرشاری به دست آورده بودند صاحب بانکی بشود. یزدانی با پشتیبانی دستگاه امنیتی کشور به طور نامحدودی نزد بانکها اعتبار داشت و یک وقت شایع بود متجاوز از ۷۰ میلیون به بانکها مقروض است. به این ترتیب یزدانی بیش از ۲۵ درصد سهام بانک ایرانیان را خرید و این قضیه باعث نگرانی من شد.

همسرم آذر که می‌دانست یزدانی از پشتیبانی دکتر ایادی هم برخوردار است، به دیدن ایادی رفت و جریان را به اطلاع او رساند و چون می‌دانست یزدانی از او حرف شنوی دارد از ایادی تقاضا کرد یزدانی را از خرید بیشتر سهام بانک ایرانیان منصرف کند. ایادی جواب داده بود کجای این کار عیب دارد؟ پول دارد و می‌خواهد سهام بخرد.

فردای آن روز یزدانی آذر را در بانک ملاقات کرد و گفت شما «چوقولی» مرا به تیمسار ایادی کردید، اگر ناراضی هستید سهام مرا بخرید. یزدانی خوب می‌دانست ما قادر به خرید سهام او نیستیم، مضافاً به این که مقداری هم به بانک ایرانیان و سیتی

بانک مقروض بودیم. وقتی آذر به او گفتم می‌دانید که ما نمی‌توانیم سهام شما را بخریم، یزدانی جواب داد دستگاه که با شما خوب نیست، چه اصراری دارید سهامتان را نگه دارید؟ آن را به قیمت بورس به من بفروشید!»<sup>۸</sup>

ابتهاج سپس شرح می‌دهد که ما نمی‌خواستیم سهاممان را بفروشیم ولی بالاخره ناچار به این کار شدیم ولی درباره پولی که از محل فروش سهام بانک به دستشان آمده و چگونگی انتقال آن به خارج توضیح زیادی نمی‌دهد. ابتهاج سپس می‌نویسد که پس از انجام معامله برای «تشکر» نزد شاه می‌رود و درباره این ملاقات، که آخرین دیدار او با شاه بوده است می‌نویسد: ملاقات، بیش از نیم ساعت طول کشید و رفتار شاه نسبت به من مثل سابق گرم و محبت‌آمیز بود. به شاه گفتم اگر این معامله انجام نمی‌شد به هیچ‌وجه قادر به پرداخت قروض خود نبودم. بنابراین از او امری که در رفع این مشکل صادر فرمودید متشکرم. بعد صحبت از سفر رسمی که به آمریکا داشت پیش آمد و من که در آن زمان کارتر را آدم لایقی می‌دانستم گفتم شما می‌توانید خیلی از مسائل را با کارتر حل کنید. شاه گفت می‌دانید من هم مثل کارتر معتقدات مذهبی دارم. شاه از سولیوان سفیر جدید آمریکا در تهران نیز تعریف کرد و گفت آدم بسیار خوبی است... این آخرین باری بود که شاه را دیدم»<sup>۹</sup>

تا آنجا که نویسنده اطلاع دارد هژبر یزدانی در مجموع با پرداخت قریب ۲۲۰ میلیون تومان بانک ایرانیان را تصاحب کرد و سلمان‌پور مدیرعامل سابق بانک ایران و ژاپن را که واسطه این معامله بود به مدیریت عامل آن گماشت. هژبر یزدانی با این که کمترین سواد و اطلاعی از امور بانکی و بانکداری نداشت در انتخاب اعضای هیئت مدیره بانک هم دخالت کرد و اشخاص مورد نظر خود را وارد هیئت مدیره بانک ایرانیان نمود.

هژبر یزدانی در سال ۱۳۵۶ که آتش انقلاب در ایران روشن شد، علاوه بر بانک ایرانیان صاحب ۲۱ کارخانه شده بود، که فقط یکی از آنها مجتمع عظیم قند شیروان بود. هژبر همچنین مشغول ساختن یک مجتمع عظیم کشت و صنعت مرکب از ۱۵ کارخانه درسمنان و اطراف آن بود که با شروع انقلاب و بازداشت هژبر یزدانی در موج

۸- خاطرات ابوالحسن ابتهاج... جلد دوم - صفحات ۵۵۲ و ۵۵۳

۹- خاطرات ابوالحسن ابتهاج... جلد دوم. صفحات ۵۵۵

دستگیریه‌ای بحبوحه انقلاب متوقف ماند. هژبر در آستانه پیروزی انقلاب با رئیس زندان قصر سرتیپ محرری دست‌به‌یک‌ی کرده با هم از زندان گریختند و چند روزی متواری بودند، تا این که هژبر دارودسته خودش را جمع کرد و به اتفاق محرری از کوه و کمر خود را به مرزهای غربی کشور رسانده و گریختند. یک سال بعد هژبر از کشور کوچک «کوستاریکا» در آمریکای مرکزی سردرآورد و با ثروتی که از ایران خارج کرده بود، مجتمع کشت و صنعت بزرگی در این کشور به راه انداخت. هژبر یزدانی اکنون به یکی از ثروتمندترین مردان کشور سه‌میلیونی کوستاریکا، که بین پاناما و نیکاراگوئه قرار گرفته، تبدیل شده و گویا به کمک «ژنرال» محرری رئیس سابق زندان قصر که حالا از مقامات ارشد پلیس کوستاریکاست، در کار تجارت پر سود اسلحه و مواد مخدر هم وارد شده است!

\* \* \*

در فصول پیشین این کتاب، جز در فصل مربوط به روشنفکران و یکی دو مورد دیگر، کمتر به نقش مخالفان و مخالف نمایان در رژیم گذشته اشاره کردیم، درحالی که در صحنه سیاست ایران، ایفاکنندگان نقش مخالف را هم باید در جمع بازیگران به حساب آورد. مخالفان واقعی رژیم گذشته، به جز روحانیون مبارزی که در فصول مختلف کتاب به آنها اشاره شده، اعضای جبهه ملی و حزب نرده بودند، که سایر گروه‌های چپ سالهای پیش از انقلاب را هم باید به آنها افزود، لیکن اعضای این گروه‌های مخالف را نیز باید به دوجناح مؤمن و معتقد، و سازشکار و اهل معامله تقسیم نمود.

از اعضای مؤمن و معتقد جبهه ملی باید از کسانی چون دکتر صدیقی و محمود نریمان و الهیار صالح نام برد، که تا پایان عمر هم به معتقداتی که داشتند وفادار ماندند. دکتر بقائی و حسین مکی و چندتن دیگر در اوایل نهضت از جبهه ملی جدا شدند و مانند گروهی دیگر نظیر مهدی بازرگان و کریم سنجابی و علی‌اردلان و داریوش فروهر و حسن نزیه به انقلاب پیوستند، هرچند همه آنها به تدریج راه خود را از انقلاب جدا کردند و بعضی در برابر آن قرار گرفتند. از جمع طرفداران دکتر مصدق و جبهه ملی، حسین فاطمی پیش از همه قربانی شد و فرصت آنرا نیافت تا در مراحل بعدی



مبارزه امتحان خود را پس بدهد. دکتر شایگان بعد از پیروزی انقلاب، به امید این که به ریاست جمهوری انتخاب شود، به ایران بازگشت و چون زمینه را مساعد نیافت بازگشت و دیگر هرگز به ایران نیامد. مهندس حسینی و مهندس زیرک‌زاده، که هردو در سالهای اخیر فوت کردند، از مخالفان سرسخت هرگونه سازشی با انگلیسیها در زمان حکومت مصدق بودند، هرچند بعضی بر این عقیده‌اند که تلقینات آنها مانع حل مسئله و در نتیجه سقوط حکومت مصدق گردید.

طرفداران دکتر مصدق و جبهه ملی در میان بازاریان، چه در جریان نهضت ملی شدن نفت و چه در جریان انقلاب، نقش مؤثری ایفا کردند که از آن جمله باید از ابو حسین و شمشیری و قاسمیه در جریان ملی شدن نفت و محمود مانیان و دستمالچی در جریان انقلاب یاد کرد. در جریان ملی شدن نفت، بازار تهران از عوامل مؤثر خنثی شدن چندین توطئه بر ضد حکومت مصدق بود و در جریان انقلاب، بازار از نظر مالی حرکتهای انقلابی را تغذیه و تقویت می‌نمود، که یک نمونه آن تعهد پرداخت حقوق نویسندگان و کارکنان اعتصابی مطبوعات در بحبوحه انقلاب بود. البته بعد از انقلاب بعضی از آنان راه خود را از انقلاب جدا کرده و در برابر نظام جمهوری اسلامی قرار گرفتند، که محاکمه و اعدام تنی چند از آنان را به دنبال داشت.

در اسناد لانه جاسوسی که انتشار آن یک سال بعد از اشغال سفارت آمریکا آغاز شده، اسناد و گزارشهای قابل توجهی درباره ارتباط مستمر سران جبهه ملی و نهضت آزادی (سازمان وابسته به جبهه ملی) با آمریکائیها مشاهده می‌شود، که اشاره به چند نمونه از آنها در این جا بی‌مناسبت نیست. در سندی که تحت شماره ۱۷۴ در جلد سوم مجموعه اسناد لانه جاسوسی چاپ شده گزارش مفصلی از «استمپل» مستشار سیاسی سفارت آمریکا درباره ملاقات و مذاکرات وی با سه تن از رهبران نهضت آزادی، آقابان مهندس مهدی بازرگان، دکتر یدالله سبحانی و مهندس محمد توکلی چاپ شده و درباره این ملاقات که روز چهارم خرداد ۱۳۵۷ و در مراحل اولیه انقلاب صورت گرفته است استمپل می‌نویسد «ضمن ملاقات بازرگان نامه‌ای به من داد که آن را به شاه برسانم». در جای دیگری از این گزارش به امیدواریهای رهبران نهضت آزادی به سیاست آمریکا اشاره شده و آمده است: «هرسه نفر رهبران نهضت آزادی تأکید می‌کردند که شاه بایستی وادار به دادن آزادی بشود و آنها این را به طور کامل به سیاست حقوق بشر پرزیدنت کارتر نسبت می‌دادند.»



استمپل روز نهم خرداد ۱۳۵۷ هم با مهندس بازرگان و مهندس توکلی ملاقات می‌کند و در گزارشی از این ملاقات که تحت شماره ۱۷۵ در مجموعه اسناد لانه جاسوسی چاپ شده است می‌نویسد: «آنها امید داشتند این رابطه و تبادلات مفصل و صادقانه ادامه یابد. آنها حتی آمادگی داشتند به‌طور یکجانبه به ما اطلاعات بدهند زیرا که نهضت آزادی اعتقاد دارد که انجام این کار به نفع اوست».

در سند شماره ۱۷۶ در گزارش محرمانه‌ای از «چارلز ناس» جانشین سفیر آمریکا به «هنری پرشت» رئیس بخش خاور نزدیک و ایران در وزارت خارجه آمریکا به تاریخ ۱۶ خرداد ۵۷ به این موضوع اشاره شده است که «ریچارد کاتم» مأمور سابق سیا در ایران رابط عمده نهضت آزادی در آمریکاست. در سند شماره ۱۷۷ گزارش مفصل دیگری از استمپل مستشار سیاسی سفارت آمریکا درباره ملاقات محرمانه وی با سه نفر از رهبران نهضت آزادی (مهندس بازرگان، یدالله سجایی و مهندس توکلی) در تاریخ ۲۷ تیرماه ۱۳۵۷ می‌خوانیم که ضمن آن مستشار سیاسی سفارت نسبت به توانائی و کارآئی نهضت آزادی اظهار تردید کرده و می‌نویسد «آنها گیج و فاقد ابتکار سیاسی به نظر می‌رسیدند». در گزارش محرمانه مورخ ۲۵ سپتامبر ۱۹۷۸ (۳ مهر ۱۳۵۷) به اختلافات بین مدعیان رهبری جبهه ملی و نهضت آزادی در اوج انقلاب اشاره شده و آمده است «اعضای نهضت آزادی می‌گویند که جبهه ملی یک گروه ساختگی است که بر محور افراد دور می‌زند».

در گزارش محرمانه استمپل، که به تاریخ دوم ژانویه ۱۹۷۹ (۱۲ دی ۱۳۵۷) به وزارت خارجه آمریکا فرستاده شده به نکته جالبی از قول پروفیسور کاتم، رابط نهضت آزادی در آمریکا که در آن تاریخ در تهران بوده اشاره شده و آمده است: «کاتم گفت نهضت آزادی دولت بختیار را تحمل خواهد کرد... و نهضت آزادی امید دارد که عاقبت عزیمت شاه برای مرخصی به چیزی مثل طرح شورای مشورتی چهارنفره، که نهضت آزادی تلاش نمود به شاه عرضه دارد، منجر گردد». در گزارش درباره جزئیات طرح شورای مشورتی چهارنفره که از طرف نهضت آزادی پیشنهاد شده بود توضیح داده نشده است، ولی با اشاره به این موضوع در دنباله مطلب که «شاه در شرف قبول این طرح در اواسط آبان بود» معلوم می‌شود که طرح نهضت آزادی مبتنی بر حفظ رژیم سلطنتی ضمن خارج شدن شاه از صحنه بوده است.

از سران حزب توده، حزبی که مخالف سرسخت و آشتی‌ناپذیر رژیم گذشته به‌شمار می‌آمد، بعضی مانند نورالدین المونی و دکتر مرتضی یزدی و دکتر محمد

بهرامی و دکتر فریدون کشاورز در بین راه یا در خارج از ایران از حزب جدا شدند، و برخی مانند خلیل ملکی و گروهی که با او از حزب توده انشعاب کردند به جمع طرفداران دکتر مصدق و جبهه ملی پیوستند. از بازماندگان رهبری حزب، دکتر راضی‌ارادمنش و ایرج اسکندری دبیران کل پیشین حزب تا پیروزی انقلاب اسلامی ایران بر عقاید پیشین خود استوار بودند و آخرین دبیر کل حزب، نورالدین کیانوری هم با این که همراه سایر رهبران حزبی مانند احسان طبری، بعد از انحلال حزب از طرف جمهوری اسلامی، در اعترافات تلویزیونی خود به عقاید گذشته پشت پا زد و خود را در حد یک جاسوس برای شورویها تنزل داد، چند سال بعد ضمن خاطراتش وفاداری خویش را به عقاید پیشین تکرار نموده است. با وجود این از میان رهبران سابق حزب توده، نورالدین کیانوری هنوز به صورت چهره‌ای مرموز و ناشناخته باقی مانده و خاطرات ششصد صفحه‌ای او هم که اخیراً انتشار یافته، بسیاری از اسرار دوران زندگی پرماجرایی او را در پرده ابهام نگاه داشته است. از جمله مهمترین اسرار زندگی کیانوری، که حاضر به افشای واقعیت آن نشده، چگونگی ارتباطات پنهانی وی با رزم آرا و نقش او در توطئه ترور شاه در ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ است. کیانوری با تعریف و تمجید مبالغه‌آمیز از رزم آرا، که در فصل مربوط به زندگی رزم آرا نقل شد، دم خروس را نشان داده و تلویحاً ارتباط خود را با رزم آرا تأیید می‌نماید و در مورد توطئه ترور شاه در ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ هم به اطلاع قبلی خود از جزئیات این توطئه اعتراف می‌کند، ولی از نقش خود در اجرای این توطئه نافرجام چیزی بر زبان نمی‌آورد، در حالی که تمام قرائن موجود نشان می‌دهد که وی با ارتباطات خود با رزم آرا، او را در جریان امر قرار می‌دهد و رزم آرا بعد از اطلاع یافتن از ماجرا به وسیله کیانوری، تسهیلاتی برای ورود ناصر فخرآرایی (ضارب شاه) به دانشگاه فراهم می‌آورد و خود را برای به دست گرفتن قدرت بعد از موفقیت این نقشه آماده می‌سازد. ظاهراً در صورت موفقیت برنامه و کشته شدن شاه، رزم آرا، به طوری که کیانوری در خاطرات خود توصیف می‌کند، «فرانکو» ایران می‌شد، اما این که کیانوری در حکومت فرانکو ایران چه نقشی بر عهده می‌گرفت از مجهولاتی است که کیانوری حاضر به افشای آن نشده و علت سکوت او درباره سایر مسائل نیز، همین نکته است!

\* \* \*

برای حسن ختام، با یادی از ورزش و ورزشکاران و نقش آنان در رویدادهای

سیاسی ایران در رژیم گذشته این کتاب را به پایان می‌آوریم: با نقشی که بعضی از ورزشکاران زورخانه‌ای، یا به قول عوام، جاهل‌هایی نظیر شعبان جعفری (معروف به شعبان بی‌مخ) در به راه‌انداختن تظاهرات شاهپرستانه در جریان کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ایفا کردند، رژیم توجه خاصی به این گروه معطوف داشت و حتی باشگاه ورزشی شعبان جعفری که با کمک مالی دولت و دربار در خیابان شمالی پارک شهر بنا شده بود، از طرف خود شاه افتتاح گردید. با وجود این احساسات مذهبی در میان ورزشکاران سنتی به قدری نیرومند بود، که وقتی شاه در برابر روحانیت قرار گرفت، ورزشکاران سنتی نیز به جمع مخالفان رژیم پیوستند و طیب حاج‌رضائی یکی از کارگردانان قیام خونین ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ در تهران بود. طیب و یاران او بعد از سرکوبی قیام ۱۵ خرداد دستگیر و در مرداد ماه همان سال در یک دادگاه نظامی محکوم به اعدام شدند. وکلای طیب و یارانش تقاضای تجدیدنظر کردند و دادگاه تجدیدنظر نظامی نیز حکم اعدام طیب حاج‌رضائی و برادرش حاج اسمعیل رضائی را تأیید و بقیه را به حبس‌های طولی‌المدت محکوم نمود.

جریان دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر نظامی که برای محاکمه طیب و یاران او تشکیل شد شنیدنی است. یکی از وکلای تسخیری طیب حاج‌رضائی در این دادگاه سرتیپ بازنشسته احمد بهارمست بود. «بهارمست چه در دادگاه بدوی و چه در دادگاه تجدیدنظر نظامی دفاع جالبی از موکل خود کرد و تمام اتهامات دادستان را با دلیل و برهان رد نمود و حتی برای بالابردن مقام طیب به او عنوان «بزرگ میدان‌داران فرمانده»<sup>۱۱</sup> داده و او را هسپراز شاه دانست. البته از این مدافعات نتیجه‌ای به دست نیامد و پس از پایان محاکمه دسنگاه امنیتی در صدد انتقام گرفتن از سرتیپ بهارمست برآمد. پرونده او را زیرورو کردند تا شاید یک پرونده مالی دندان‌گیر درست کنند، ولی کوچکترین خلاف مالی از او مشاهده نکردند. سرانجام زنی را در سر راه او قرار دادند همین مسئله بزرگ شد و به دادگستری رفت و احمد بهارمست به سه سال زندان محکوم گردید. پس از تحمل زندان بهارمست دیگر آن انرژی و قدرت کار را نداشت و پس از چندی درگذشت»<sup>۱۲</sup>

۱۱- بر وزن «بزرگ ارتشتاران فرمانده» که لقب شاه بود.

۱۲- روزشمار تاریخ ایران - تألیف دکتر باقر عاقلی - جلد سوم صفحه ۱۶۰

بعد از این ماجراها شاه توجه بیشتری به ورزش و احداث باشگاههای ورزشی جدید مبذول داشت و بعضی از باشگاههای ورزشی مانند باشگاه تاج با هدف تربیت ورزشکاران طرفدار رژیم پا عرصه وجود نهاد. برای تشویق ورزشکاران به طرفداری از رژیم، چندتن از آنان را به مقامات سیاسی و دولتی منصوب کردند، که از آن جمله باید از حبیبی قهرمان کشتی و رهنوردی قهرمان وزنه‌برداری نام برد که هر دو به نمایندگی مجلس انتخاب شدند. ساختمان استادیوم بزرگ ورزشی صدهزار نفری و تدارک برگزاری بازیهای المپیک در تهران و کمکهای مالی برای تشکیل باشگاههای مستقل و ترتیب مسابقات دوره‌ای و اعزام تیمهای ورزشی به خارج از جمله اقداماتی بود که در جهت هدایت ورزش در جهت سیاست کلی رژیم صورت می‌گرفت. با پیروزیهایی که در مسابقات جهانی نصیب تیمهای اعزامی ایران می‌شد، این هدف تا حدی تأمین می‌گردید، ولی نارضائتی در میان ورزشکاران، مانند سایر قشرهای جامعه در حال گسترش بود و اثر تبلیغاتی و روانی این پیروزیها را کم و بیش خنثی می‌نمود.

مرگ مشکوک غلامرضا تختی، پهلوان معروف و محبوب ایرانی که چندین بار به اخذ مدال طلا در مسابقات جهانی نائل شده بود، تبلیغات رژیم را در جهت جلب ورزشکاران و ورزش‌دوستان، تا حدود زیادی خنثی کرد. تختی که از بستگان نزدیک مهندس حسینی (یار نزدیک و مشاور دکتر مصدق) بود بعد از پیروزی در مسابقات جهانی و گرفتن بازوبند پهلوانی - با تشویق و اصرار مهندس حسینی به فعالیتهای مخفی جبهه ملی پیوست و به ریاست کمیته ورزش جبهه ملی انتخاب شد. فعالیتهای تختی در جبهه ملی و تبلیغات او به نفع دکتر مصدق و جبهه ملی از چشم ساواک پنهان نماند و به همین جهت تختی عملاً تحت نظر قرار داشت، تا این که در دیماه سال ۱۳۴۶ در اطاق یکی از هتل‌های شمال شهر به ضرب گلوله کشته شد. قتل تختی با سوابقی که از فعالیتهای سیاسی او در اذهان عمومی وجود داشت به ساواک نسبت داده شد و خبر روزنامه‌ها را درباره خودکشی وی کسی در آن زمان باور نکرد. از تختی تشییع جنازه مفصلی به عمل آمد و حضور انبوه مردم در تشییع جنازه و مراسم ترحیم وی حرکتی برخلاف رژیم تلقی شد. جبهه ملی هر سال در سالگرد مرگ او «شهادت» وی را به دست عمال ساواک یادآوری می‌کرد و در خارج از ایران نیز همه‌ساله مراسمی به این مناسبت برپا می‌گردید.

www.KetabFarsi.com

ضمائم



## نخست‌وزیران دوران سلطنت پهلویها

در دوران سلطنت رضاشاه و محمدرضاشاه، جمعاً ۲۶ نفر به مقام نخست‌وزیری رسیدند و بعضی از آنها مانند فروغی و قوام‌السلطنه و حکیم‌الملک چندین بار به این مقام منصوب شدند. طولانی‌ترین دوران نخست‌وزیری متعلق به هویدا بود که بیش از دوازده سال و نیم حکومت کرد و کوتاه‌ترین آنها شاپور بختیار که فقط ۳۷ روز نخست‌وزیر بود. نخست‌وزیران ایران در دوران سلطنت پهلویها به ترتیب احراز مقام نخست‌وزیری از این قرارند:

- ۱- محمدعلی فروغی<sup>۱</sup> سه نوبت (جمعاً سه سال و سه ماه)
- ۲- حسن مستوفی (مستوفی‌الممالک)<sup>۲</sup> ۱۱ ماه
- ۳- مهدیقلی هدایت (مخبرالسلطنه)<sup>۳</sup> شش سال و شش ماه
- ۴- محمود جم در حدود چهار سال
- ۵- دکتر احمد متین‌دفتری شش ماه
- ۶- رجبعلی منصور دو نوبت (جمعاً ۱۸ ماه)
- ۷- علی سهیلی دو نوبت (جمعاً ۳۰ ماه)
- ۸- احمد قوام (قوام‌السلطنه)<sup>۴</sup> سه نوبت (جمعاً دو سال و پنج ماه)
- ۹- محمد ساعد دو نوبت (جمعاً دو سال)
- ۱۰- مرتضی‌قلی بیات (سهام‌السلطان) پنج ماه

- ۱- فروغی در سومین دوره نخست‌وزیری خود دوباره به مناسبت تغییر سلطنت و افتتاح مجلس جدید استعفا داد و مجدداً مأمور تشکیل کابینه شد.
- ۲- مستوفی‌الممالک در دوره قاجاریه نیز پنج بار نخست‌وزیر شده بود.
- ۳- مخبرالسلطنه هدایت در دوره طولانی نخست‌وزیری خود سه بار به مناسبت افتتاح دوره‌های جدید مجلس استعفا داد و مجدداً مأمور تشکیل کابینه شد.
- ۴- قوام‌السلطنه در اواخر سمطنت قاجاریه (بعد از کودتای ۱۲۹۹) نیز دوبار نخست‌وزیر شده بود.



- |                           |                                |
|---------------------------|--------------------------------|
| سه نوبت (۱۱ ماه)          | ۱۱- ابراهیم حکیمی (حکیم الملک) |
| پنج ماه                   | ۱۲- محسن صدر (صدرالاشراف)      |
| چهار ماه                  | ۱۳- عبدالحسین هژیر             |
| هشت ماه                   | ۱۴- سپهبد حاجیعلی رزم آرا      |
| دو نوبت (۲۶ ماه)          | ۱۵- حسین علاء                  |
| دو نوبت (دو سال و سه ماه) | ۱۶- دکتر محمد مصدق             |
| ۲۲ ماه                    | ۱۷- سپهبد فضل الله زاهدی       |
| سه سال و پنج ماه          | ۱۸- دکتر منوچهر اقبال          |
| دو نوبت (ده ماه)          | ۱۹- جعفر شریف امامی            |
| ۱۴ ماه                    | ۲۰- دکتر علی امینی             |
| ۲۰ ماه                    | ۲۱- امیراسدالله علم            |
| ۱۱ ماه                    | ۲۲- حسنعلی منصور               |
| ۱۲ سال و شش ماه           | ۲۳- امیرعباس هویدا             |
| ۱۳ ماه                    | ۲۴- دکتر جمشید آموزگار         |
| ۲ ماه                     | ۲۵- سپهبد غلامرضا ازهاری       |
| ۳۷ روز                    | ۲۶- شاپور بختیار               |

- ۵- نخست‌وزیری دکتر مصدق فقط چهار روز، با انتصاب قوام‌السلطنه به نخست‌وزیری در فاصله روزهای ۲۶ تا ۳۰ تیرماه ۱۳۳۱ قطع شد.
- ۶- هویدا در طول نخست‌وزیری خود سه بار به مناسبت افتتاح دوره‌های جدید مجلسین استعفا داد و مجدداً مأمور تشکیل کابینه شد.

## وزیران دوران پهلوی

در دوران سلطنت پهلویها جمعاً در حدود ۳۵۰ نفر به مقام وزارت رسیدند که معدودی از آنها در دوره قاجاریه هم سابقه وزارت داشتند. به جز سه نفر از نخست وزیران دوران پهلوی (رزم آرا - ازهارى - بختیار) بقیه قبل از احراز مقام نخست وزیری تصدی یک یا چند وزارتخانه را به عهده داشته‌اند. از وزیران دوران پهلویها طولانی‌ترین سابقه وزارت متعلق به دکتر جمشید آموزگار است که قبل از نخست‌وزیری در حدود بیست سال وزیر پنج وزارتخانه مختلف بوده و قبل از نخست وزیری نیز در سمت دبیرکل حزب رستاخیز عنوان وزیر مشاور را داشته است. از وزیران دوران پهلویها دو نفر (علی اصغر حکمت و دکتر محمد سجادی) رکورد کثرت وزارتخانه‌هایی را که به عهده گرفته‌اند شکسته‌اند و هر یک در کابینه‌های مختلف تصدی هفت وزارتخانه را بر عهده داشته‌اند. اسامی کابینه‌هایی که هر یک از وزیران در آن عضویت داشته‌اند داخل پراکنش ذکر شده و در اکثر موارد وزیران مذکور در کابینه‌های مختلف یک نخست وزیر سمت قبلی خود را حفظ کرده‌اند.

نام وزیر	وزارتخانه‌ها و کابینہ‌هایی کہ شاغل بوده است
آذر - دکتر مہدی آراستہ - نادر	فرہنگ (مصدق) پست و تلگراف (بیات - ہڑیر - ساعد) راہ (حکیمی - صدر - ساعد)
آرام - غلامعباس آرامش - احمد آریانہ - منوچہر آزمودہ - دکتر مرتضی آزمون - منوچہر آشتیانی - دکتر جواد آق اولی - سر لشگر فرج اللہ آگاہ - منوچہر آموزگار - جمشید	خارجہ (اقبال - امینی - علم - منصور - ہویدا) مشاور (شریف امامی) کار و امور اجتماعی (بختیار) اقتصاد ملی (رزم آرا) کار (ہویدا) مشاور (شریف امامی) بہداری (شریف امامی) کشور (قوام - حکیمی) مشاور (آموزگار) کار (اقبال) کشاورزی (اقبال) بہداری (منصور - ہویدا) دارائی (ہویدا) کشور (ہویدا) مشاور (ہویدا) بازرگانی (امینی) فرہنگ (علاء) مشاور (بختیار) آبادانی و مسکن (ہویدا) مسکن و شہر سازی (شریف امامی) راہ (جم) دادگستری (منصور - فروغی - سہیلی) کشاورزی (فروغی) پست و تلگراف (مستوفی) کشور (اقبال) کشاورزی (آموزگار) دادگستری (ہویدا) دادگستری (زاہدی - علاء) مشاور (زاہدی) کشاورزی (اقبال) اقتصاد ملی (مصدق)
آموزگار - جہانگیر آموزگار - حبیب اللہ آموزگار - سیروس آموزگار - کورس آوینی - پرویز آہی - مجید	
اتابکی - احمد اتابکی - رحمت احمدی - احمد علی احمدی - صادق اخوی - جمال الدین اخوی - سر لشگر حسن اخوی - علی اکبر	

وزارتخانه‌ها و کابینه‌هایی که شاغل بوده است	نام وزیر
<p>بهداری (هژیر - ساعد - مصدق) مشاور (مصدق)</p> <p>بهداری (اقبال)</p> <p>پیشه و هنر (ساعد) دارائی (بیات - هژیر) دادگستری</p> <p>(حکیمی) راه (حکیمی) کشور (منصور - رزم آرا)</p> <p>مشاور (علاء) صنایع و معادن (علاء) خارجه (علاء - اقبال)</p> <p>کشاورزی (امینی - علم)</p> <p>راه (علاء)</p> <p>کار و تبلیغات (قوام)</p> <p>پست و تلگراف (فروغی) جنگ (هدایت - فروغی)</p> <p>دارائی (مستوفی)</p> <p>پیشه و هنر و بازرگانی (قوام)</p> <p>مشاور (امینی)</p> <p>پست و تلگراف (رزم آرا - علاء - اقبال)</p> <p>مشاور (شریف امامی)</p> <p>اقتصاد ملی (هژیر - ساعد)</p> <p>مشاور (هویدا - آموزگار)</p> <p>کشاورزی (سهیلی)</p> <p>پست و تلگراف (شریف امامی)</p> <p>خارجه (متین دفتری - منصور)</p> <p>مشاور در امور زنان (آموزگار)</p> <p>راه (هدایت)</p> <p>خارجه (شریف امامی - ازهاری)</p> <p>بهداری (قوام - ساعد) پست و تلگراف (قوام)</p> <p>فرهنگ (هژیر) کشور (ساعد) راه (ساعد - منصور)</p> <p>دادگستری (امینی)</p>	<p>ادهم - دکتر عباس</p> <p>ادیب - دکتر محمد حسین</p> <p>اردلان - امان الله</p> <p>اردلان - علیقلی</p> <p>ارسنجانی - حسن</p> <p>ارفع - سر لشکر حسن</p> <p>اسدی - سلمان</p> <p>اسعد - جعفرقلی</p> <p>اسفندیاری - حسن</p> <p>اسکندری - ایرج</p> <p>اشتری - هادی</p> <p>اشراقی - امیر قاسم</p> <p>اشرف احمدی</p> <p>اشرفی - آقاخان</p> <p>اصفیاء - صفی</p> <p>اعتبار - احمد</p> <p>اعتبار - عبدالحسین</p> <p>اعلم - مظفر</p> <p>افخمی - مهناز</p> <p>افشار - رضا</p> <p>افشار قاسم - امیر خسرو</p> <p>اقبال - دکتر منوچهر</p> <p>الموتی - نورالدین</p>

نام وزیر	وزارتخانه ها و کابینه هایی که شاغل بوده است
امامی - جمال امیر احمدی - سپهبد احمد	مشاور (هژیر - ساعد) کشور (فروغی - حکیمی) جنگ (قوام - سهیلی - هژیر - ساعد) بهداری (ساعد)
امیراعلم - دکتر امیر پرویز - امیر حسین امیر خسروی - رضاقلی امیر طهماسبی - سر لشکر عبدالله امیر عزیزی - سپهبد صادق امیر علائی - شمس الدین	کشاورزی (شریف امامی - وهاری) دارائی (متین دفتری - منصور) جنگ (فروغی) فوائد عامه (هدایت) کشور (شریف امامی - امینی - علم) مشاور (علم) کشاورزی (قوام) دادگستری (علاء) اقتصاد ملی (مصدق) کشور (مصدق) صنایع و معادن (آموزگار - شریف امامی) اقتصاد ملی (منصور - مصدق) دارائی (زاهدی - علاء) دادگستری (علاء) راه (بیات) خارجه (علاء - زاهدی) مشاور (علاء) بهداری (قوام) پست و تلگراف (سهیلی) خارجه (بیات) مشاور (علم) کار (اقبال) کشور (هویدا) خارجه (مستوفی - هدایت) راه (علاء - اقبال - شریف امامی) اطلاعات و جهانگردی (هویدا) اقتصاد (هویدا) امور اقتصادی و دارائی (هویدا - آموزگار)
امین - محمدرضا امینی - علی	کار (اقبال) کشور (هویدا) خارجه (مستوفی - هدایت) راه (علاء - اقبال - شریف امامی) اطلاعات و جهانگردی (هویدا) اقتصاد (هویدا) امور اقتصادی و دارائی (هویدا - آموزگار)
انتظام - عبدالله انتظام - نصرالله	کشور (اقبال) دادگستری (علم - شریف امامی) کار (اقبال) صنایع و معادن (بختیار) معارف و اوقاف (مستوفی)
انصاری - عبدالرضا انصاری - علیقلی انصاری - سر لشکر ولی الله انصاری - هوشنگ	کشور (اقبال) دادگستری (علم - شریف امامی) کار (اقبال) صنایع و معادن (بختیار) معارف و اوقاف (مستوفی)
باتمانقلیچ - سپهبد نادر باهری - محمد بختیار - آقاخان بختیار - عباسقلی بدر - احمد	کشور (اقبال) دادگستری (علم - شریف امامی) کار (اقبال) صنایع و معادن (بختیار) معارف و اوقاف (مستوفی)

نام وزیر	وزارتخانه‌ها و کابینه‌هایی که شاغل بوده است
بدر - محمود	دارائی (جم - سهیلی - صدر) پیشه و هنر (سهیلی)
بوذرجمهری - سرلشگر کریم	فوائد عامه (هدایت)
بوذری - محمد علی	دادگستری (رزم آرا)
بوشهری - جواد	پست و تلگراف (قوام) کشاورزی (هژیر) راه (مصدق)
بهادری - کریم پاشا	اطلاعات و جهانگردی (هویدا)
بهار - محمد تقی (ملک الشعرا)	فرهنگ (قوام)
بهرامی - احمد علی	کار (شریف امامی)
بهرامی - فرج الله	پست و تلگراف (هدایت)
بهرامی - فضل الله	پست و تلگراف (سهیلی) کشور (قوام)
بهنیا - ابوالحسن	راه (شریف امامی)
بهنیا - عبدالحسین	دارائی (امینی - علم)
بیات - مرتضی قلی	دارائی (فروغی - سهیلی - قوام) مشاور (ساعد)
پارسای - فرخ رو	آموزش و پرورش (هویدا)
پاکروان - سرلشگر حسن	اطلاعات (هویدا)
پایدار - مصطفی	مشاور (شریف امامی - ازهاری)
پرتو - منوچهر	دادگستری (هویدا)
پناهی - ابوالقاسم	کار (زاهدی)
پورهمایون - علی اصغر	اقتصاد ملی (زاهدی) بازرگانی (شریف امامی)
پویان - دکتر انوشیروان	بهداری (هویدا)
پهلبد - مهرداد	فرهنگ و هنر (هویدا - آموزگار)
پیراسته - رستم	امور اقتصادی و دارائی (بختیار)
پیراسته - مهدی	کشور (علم)
تجدد - مصطفی	بازرگانی (زاهدی)
تدین - محمد	معارف و اوقاف (مستوفی - هدایت) فرهنگ (فروغی)
	خواروبار (سهیلی)

نام وزیر	وزارتخانه‌ها و کابینه‌هایی که شاغل بوده است
تسلیمی - منوچهر	بازرگانی (هویدا)
تفضلی - جهانگیر	مشاور (علم)
تقی زاده - حسن	طرق و شوارع (هدایت) مالیه (هدایت)
توفیق - فیروز	مسکن و شهرسازی (آموزگار)
توکلی - تقی	نیرو (آموزگار)
تهرانی - سید جلال	مشاور (قوام) پست و تلگراف (ساعد - منصور)
جابر انصاری - همایون	آبادانی و مسکن (هویدا)
جزایری - شمس الدین	فرهنگ (رزم آرا)
جعفری - رضا	فرهنگ (زاهدی)
جلالی - فتح الله	کشور (اقبال)
جم - محمود	فوائد عامه (هدایت) داخله (فروغی) جنگ (قوام)
جهانبانی - امان الله	کشور (فروغی) راه (فروغی)
جهانبانی - محمد حسین	مشاور (زاهدی)
جهانشاهی - عبدالعلی	مشاور (هویدا)
جهانشاهی - غلامحسین	بازرگانی (علم)
حسابی - دکتر محمود	فرهنگ (مصدق)
حق شناس - جهانگیر	کشاورزی (مصدق)
حکمت - پرویز	آب و برق (هویدا)
حکمت - علی اصغر	معارف و اوقاف (فروغی - جم) کشور (متین دفتری)
	پیشه و هنر (فروغی) بهداری (فروغی - سهیلی)
	دادگستری (سهیلی) مشاور (قوام - ساعد - زاهدی)
	خارجہ (ساعد - اقبال)
	پست و تلگراف (فروغی - جم)
	مشاور (قوام)
	کشاورزی (فروغی)
حکمت - نظام الدین	
حکیمی - ابراهیم	
حکیمی - علی اکبر	



نام وزیر	وزارتخانه‌ها و کابینه‌هایی که شاغل بوده است
خسروانی - عطاءالله خسروشاهی - کاظم خطاطان - موسی خلعتبری - عباسعلی خلعتبری - نصرالله خوشبین - غلامحسین	کار (امینی - علم - منصور - هویدا) کشور (هویدا) بازرگانی (آموزگار) گمرکات و انحصارات (اقبال) خارجہ (هویدا - آموزگار) کشاورزی (حکیمی) دادگستری (علم) مشاور (علم)
دادگر - حسین (عدل الملک) داور - علی اکبر	داخله (فروغی) فوائد عامه و تجارت (فروغی) عدلیه (مستوفی - هدایت) مالیه (فروغی) فرهنگ (امینی) مشاور (علاء) اقتصاد ملی (رزم آرا) مشاور (امینی)
درخشش - محمد دشتی - علی دفتری - عبدالله ذوالفقاری - ناصر	پست و تلگراف (قوام) خارجہ (بیات - رزم آرا) بهداری (اقبال) مشاور (آموزگار) راه (مصدق - علم) آب و برق (منصور - هویدا) کشاورزی (هویدا) اطلاعات و جهانگردی (هویدا) معارف و اوقاف (هدایت) فرهنگ (حکیمی - صدر) علوم و آموزش عالی (هویدا) بهداری (علم) کشاورزی (علم - منصور - هویدا) آموزش و پرورش (بختیار) فرهنگ (ساعد) جنگ (حکیمی)
رئیس - محسن راجی - دکتر عبدالحسین رامبد - هلاکو رجبی - داود روحانی - منصور رهنما - حمید رهنما - غلامحسین رهنما - مجید ریاحی - دکتر ابراهیم ریاحی - سپهبد اسمعیل ریاحی - محمد امین ریاحی - سر لشکر علی	

نام وزیر	وزارتخانه‌ها و کابینه‌هایی که شاغل بوده است
زاهدی - اردشیر	خارجہ (هویدا)
زاهدی - حسن	کشاورزی (هویدا) کشور (هویدا)
زاهدی - سرلشکر فضل الله	کشور (علاء - مصدق)
زرین کفش - علی اصغر	دارائی (ساعد)
زند - ابراهیم	جنگ (ساعد - بیات - حکیمی - صدر) کشور (ساعد - منصور)
زنگنه - احمد	پست و تلگراف (علاء)
زنگنه - عبدالحمید	فرهنگ (ساعد - رزم آرا)
ساعد - محمد	خارجہ (سهیلی - قوام)
سام - محمد	اطلاعات (هویدا) کشور (هویدا)
ستوده - فتح الله	پست و تلگراف (هویدا)
سپهبدی - انوشیروان	خارجہ (حکیمی - صدر - قوام) دادگستری (قوام)
سپهر - احمد علی (مورخ الدوله)	مشاور (قوام)
سجادی - محمد	پیشه و هنر (قوام)
	راه (جم - متین دفتری منصور - فروغی - ساعد)
	بازرگانی و پیشه و هنر (قوام) اقتصاد ملی (حکیمی) کار
	(حکیمی) فرهنگ (ساعد) دادگستری (ساعد)
	دارائی (منصور - علاء) مشاور (زاهدی - شریف امامی)
	صنایع و معادن (امینی)
	کشور (ساعد - بیات)
	اطلاعات و جهانگردی (ازهارى)
	داخله (هدایت) مشاور (سهیلی) کشور (سهیلی)
	علوم و آموزش عالی (هویدا)
	خارجہ (جم)
	پست و تلگراف (امینی - علم)
	فرهنگ (مصدق)
سرلک - تقی	
سروری - محمد	
سعادت‌مند - سپهبد ابوالحسن	
سمیعی - حسین	
سمیعی - عبدالحسین	
سمیعی - عنایت الله	
سمیعی - هوشنگ	
سنگابی - کریم	

وزارتخانه‌ها و کابینه‌هایی که شاغل بوده است	نام وزیر
طرق و شوارع (هدایت) خارجه (جم - فروغی) داخله (منصور) مشاور (حکیمی)	سهیلی - علی
پست و تلگراف (فروغی - قوام) راه (ساعد) بازرگانی و پیشه و هنر (قوام)	سیاح - حمید
فرهنگ (قوام - سهیلی) مشاور (بیات)	سیاسی - علی اکبر
مشاور (هویدا)	شادمان - ضیاءالدین
اقتصاد ملی (هژیر - زاهدی) کشاورزی (هژیر) دادگستری (زاهدی)	شادمان - فخرالدین
راه (علم - هویدا - شریف امامی - ازهاری) کشاورزی (حکیمی)	شالچیان - حسن
بهداری (هویدا) علوم و آموزش عالی (هویدا) فرهنگ (قوام) مشاور (قوام)	شاهرودی - باقر
مشاور و اوقاف (شریف امامی - ازهاری) راه (رزم آرا) صنایع و معادن (اقبال) دارائی (شریف امامی)	شاهقلی - دکتر منوچهر
جنگ (بختیار) پست و تلگراف (منصور) راه (هویدا)	شایگان - سید علی
فوائد عامه (هدایت) بهداری و بهزیستی (هویدا - آموزگار)	شریعتمداری - محسن
مشاور (قوام) راه (قوام) پیشه و هنر و بازرگانی (قوام) دارائی (قوام - سهیلی) دادگستری (ساعد - حکیمی - قوام)	شریف امامی - جعفر
مشاور (حکیمی)	شعاعی - عبدالباقی
	شفقت - جعفر
	شفیعی - فرهنگ
	شهرستانی - جواد
	شیبانی - عبدالحسین
	شیخ الاسلام زاده - شجاع‌الدین
	صادق - صادق (مستشارالدوله)
	صادقی - ابوالحسن
	صالح - الهیار

وزارتخانه‌ها و کابینه‌هایی که شاغل بوده است	نام وزیر
<p>بهداری (رزم آرا - زاهدی - علاء - شریف امامی) فرهنگ (شریف امامی)</p> <p>راه (آموزگار) مشاور (ازهاری)</p> <p>کشور (منصور - هویدا) دادگستری (هویدا)</p> <p>دادگستری (فروغی - جم - سهیلی - ساعد)</p> <p>تعاون و امور روستاها (هویدا)</p> <p>فرهنگ (فروغی - بیات - قوام - شریف امامی)</p> <p>پست و تلگراف (مصدق) کشور (مصدق)</p> <p>راه (آموزگار)</p> <p>پست و تلگراف (بختیار)</p> <p>جنگ (منصور - هویدا) تولیدات کشاورزی و مواد مصرفی (هویدا)</p> <p>پست و تلگراف (هدایت)</p>	<p>صالح - دکتر جهان‌شاه</p> <p>صالحی - مرتضی</p> <p>صدر - جواد</p> <p>صدر - محسن (صدرالاشراف)</p> <p>صدقیانی - رضا</p> <p>صدیق - عیسی</p> <p>صدیقی - غلامحسین</p> <p>صفویان - مهدی</p> <p>صمیمی - لطفعلی</p> <p>صنّعی - سپهبد اسدالله</p> <p>صوراسرافیل - قاسم</p>
<p>گمرکات و انحصارات (اقبال)</p> <p>دارائی (اقبال - شریف امامی)</p> <p>صنایع و معادن (شریف امامی - علم)</p>	<p>ضرغام - سرلشگر علی اکبر</p> <p>ضیائی - طاهر</p>
<p>کشاورزی (مصدق - علاء) مشاور (علاء - اقبال)</p> <p>مشاور (ساعد)</p> <p>بهداری (امینی)</p>	<p>طالقانی - خلیل</p> <p>طاهری - هادی</p> <p>طبا - دکتر عبدالحسین</p>
<p>مشاور (زاهدی)</p> <p>کار (مصدق)</p> <p>بازرگانی (علم) اقتصاد (علم - منصور - هویدا)</p> <p>کشور (فروغی - قوام) دادگستری (قوام)</p>	<p>ظفر بختیار - ایلخان</p> <p>عالمی - ابراهیم</p> <p>عالیخانی - علینقی</p> <p>عامری - جواد</p>

نام وزیر	وزارتخانه ها و کابینه هائی که شاغل بوده است
عاملی - باقر	دادگستری (منصور - هویدا)
عاملی تهرانی - محمد رضا	اطلاعات و جهانگردی (شریف امامی)
	آموزش و پرورش (ازهارى)
عبده - جلال	خارجہ (اقبال)
عدل - احمد حسين	کشاورزی (سهیلی - قوام - حکیمی - زاهدی)
عدل - مصطفی	عدلیه (مستوفی) فرهنگ (فروغی - سهیلی)
	مشاور (ساعد - حکیمی - صدر - قوام - هژیر) دادگستری
	(بیات - قوام)
عضدی - یدالله	دارائی (فروغی) راه (سهیلی - قوام) خارجہ (شریف امامی)
عظیمی - ارتشبد رضا	جنگ (هویدا - آموزگار - شریف امامی - ازهارى)
علاء - حسین	خارجہ (ساعد - منصور)
علامیر - محمود	داخله (مستوفی)
علم - ابراهیم (شوکت الملک)	پست و تلگراف (جم - متین دفتری - منصور - فروغی)
علم - امیر اسدالله	کشور (ساعد - علاء) کشاورزی (ساعد - منصور) کار
	(رزم آرا)
علوی مقدم - مهدیقلی	کشور (شریف امامی)
غفاری - سهام الدین	پست و تلگراف (قوام)
غنی - دکتر قاسم	بهداری (ساعد) فرهنگ (ساعد)
فاتح - محمود	کشاورزی (ساعد)
فاطمی - حسین	خارجہ (مصدق)
فرح بخشیان - ابراهیم	راه (هویدا)
فرخ - مهدی	کشور (سهیلی) خواربار (قوام)
فرزاتگان - عباس	پست و تلگراف (زاهدی)
فرزین - محمد علی	خارجہ (هدایت)
فرمانفرمایان - محمد ولی	کار و تبلیغات (قوام)
فریور - غلامعلی	صنایع و معادن (امینی)

نام وزیر	وزارتخانه ها و کابینه هائی که شاغل بوده است
فروغی - محمد علی فروغی - محسن فروغی - مسعود فروهر - ابوالقاسم	جنگ (مستوفی) اقتصاد (هدایت) خارجه (هدایت) فرهنگ و هنر (شریف امامی) مشاور (علم) صناعت (جم) داخله (جم) پست و تلگراف (ساعد) دارائی (ساعد) راه (قوام) کار (رزم آرا) دارائی (رزم آرا - علاء) کشاورزی (علاء - مصدق) جنگ (ساعد) راه (حکیمی - قوام) کار و تبلیغات (قوام)
فروهر - غلامحسین فرهمند - ضیاءالملک فیروز - سرلشکر محمد حسین فیروز - مظفر	علوم و آموزش عالی (شریف امامی) خارجه (علاء - شریف امامی - امینی) دادگستری (قوام) معارف و اوقاف (هدایت) کشور (شریف امامی - ازهاری) مشاور (هویدا)
قاضی - ابوالفضل قدس نخعی - حسین قراگوزلو - علیرضا قراگوزلو - یحیی قره باغی - ارتشبد عباس قوام صدوری - محمود	کار و امور اجتماعی (ازهاری) مشاور (اقبال) اقتصاد ملی (علاء) بازرگانی (علاء) مشاور (آموزگار) علوم و آموزش عالی (هویدا) مشاور (هویدا) خارجه (فروغی - جم - حکیمی - مصدق) بهداری (فروغی) کشور (فروغی - قوام) دارائی (قوام - مصدق) کشاورزی (بختیار) فرهنگ (قوام) راه (منصور) مشاور (هویدا)
کاتوزیان - سپهبد کاسمی - نصرت الله کاشانی - ابراهیم کاشفی - محمود کاظم زاده - حسین کاظمی - باقر	
کاظمی - منوچهر کشاورز - دکتر فریدون کشفیان - محمود	

نام وزیر	وزارتخانه ها و کابینه هائی که شاغل بوده است
کلالی - امیر تیمور کلالی - منوچهر کمال هدایت - حسنعلی	کار (مصدق) کشور (مصدق) مشاور (هویدا) پست و تلگراف (فروغی) مشاور (بیات - حکیمی) دادگستری (صدر) مشاور و سرپرست اوقاف (شریف امامی) اطلاعات و جهانگردی (هویدا) دادگستری (هویدا- آموزگار) فرهنگ (منصور)
گرزن - سرلشکر عباس گل سرخی - ناصر گلشائیان - عباسقلی	راه (زاهدی) منابع طبیعی (هویدا) بازرگانی و اقتصاد ملی (فروغی - صدر) دادگستری (فروغی - هژیر - علاء) دارائی (ساعد) صنایع و معادن (علاء) راه (امینی) آموزش و پرورش (هویدا- آموزگار- شریف امامی) مشاور (منصور- هویدا) تولیدات کشاورزی و مواد مصرفی (هویدا) دادگستری (مصدق)
گنجه ای - رضا گنجی - جمال گنجی - منوچهر گودرزی - منوچهر	بهداری (ساعد- بیات - صدر- حکیمی) دادگستری (جم) تولیدات کشاورزی (هویدا) کار (هویدا) مشاور (هویدا) خارج (فروغی) پست و تلگراف (ساعد- مصدق) دارائی (فروغی) عدلیه (فروغی) داخله (مستوفی)
لطفی - عبدالعلی  مالک - سعید متین دفتری - احمد مجیدی - عبدالمجید مشار - حسن مشار - یوسف مشرف نفیسی - حسن مشیر قاطمی - مهدی	



نام وزیر	وزارتخانه ها و کابینه هائی که شاغل بوده است
مرات - اسمعیل	فرهنگ (جم)
مرزبان - دکتر اسمعیل	بهداری (قوام - حکیمی)
معمدی - علی	راه (قوام - حکیمی) مشاور (علاء)
معمدی - قاسم	آموزش و پرورش (آموزگار)
معمدی - کریم	پست و تلگراف (هویدا - آموزگار - شریف امامی - ازهاری)
معظمی - سیف الله	پست و تلگراف (مصدق)
معمارزاده	بازرگانی (ازهاری)
معینی - امیر قاسم	کشور (هویدا) کار (هویدا - آموزگار)
معینیان - نصرت الله	راه (علم) مشاور (علم) اطلاعات (منصور - هویدا)
مفخم - جمشید	اقتصاد ملی (علاء)
مفیدی - محمد حسین	علوم و آموزش عالی (ازهاری)
مقبل - احمد	کشاورزی (ساعد) مشاور (علاء)
مقتدر مؤدهی - دکتر نصر الله	بهداری و بهزیستی (آموزگار - شریف امامی)
ملکی - دکتر محمد علی	بهداری (مصدق)
ممتاز - محمد علی	دادگستری (شریف امامی)
ممقانی - اسد الله	دادگستری (ساعد)
منصور - حسنعلی	کار (اقبال) بازرگانی (اقبال)
منصور - جواد	مشاور (هویدا) اطلاعات (هویدا)
منصور - رجبعلی	داخله (هدایت) راه (فروغی - جم) صناعت (جم)
موسوی زاده - علی اکبر	دادگستری (قوام) مشاور (قوام)
مهدمینا - جهانگیر	نیرو (شریف امامی)
مهدوی - ابراهیم	کشاورزی (رزم آرا - شریف امامی)
مهدوی - فریدون	بازرگانی (هویدا)
مهران - حسنعلی	امور اقتصادی و دارائی (آموزگار - ازهاری) مشاور (شریف امامی)
مهران - محمود	فرهنگ (علاء - شریف امامی)